

جهان شگفت انگیز يك نوزاد

يك نوزاد چه میداند و تاجه اندازه میتوان به او آموزش داد ؟

سفری کوتاه به نخستین ماههای زندگی انسان

حالت بیوزنی درون رحم مادر چگونه است و كودك پس از تولد چگونه چطور آنرا احساس می کند ؟

نوزاد بتواند دیگران را از دید چشم فرقی نهد ، در ذهن خود آنها را از روی طرزینل کردن طبقه بندی می نماید و متناسب با آن از خود واکنش نشان می دهد . او کاملاً می تواند تشخیص دهد که آیا شخصی که وی را در آغوش گرفته خوش اخلاق و مهربان است یا بد اخلاق و عصبی؟ چند روز طول می کشد تا نوزاد از تجربه تولد بخود آید و احساس گرسنگی نماید . معمولاً اولین دردهای گرسنگی او همزمان با وقتی است که شیر مادر آماده برای تغذیه اوست و این در حدود روز سوم و اتفاق می افتد . یکی از دلایل اینکه تغذیه نوزاد از پستان مادر با چنین شدتی مورد توصیه می باشد آن است که انجام این کار باعث نوعی اطمینان خاطر نوزاد می گردد . نوزاد به همجواری با بدن يك انسان دیگر ، به شنیدن صدای

غالباً گفته می شود که يك نوزاد ؛ در او ان زندگی خود ، موجودی است غیر اجتماعی زیرا که ظاهراً فقط خویشتن را می شناسد و هیچ کوششی بعمل نمی آورد تا با دیگران ارتباط برقرار کند . اما حقیقت آن است که قدرت او در برقراری ساختن ارتباط ، نسبت به سنی که دارد ، بسیار خوب است .

هر گاه سعی گردد که این قدرت درك شده و به آن پاسخ داده شود ، ایجاد ارتباط با نوزاد نه از طریق سخن گفتن بلکه از راه لمس کردن و تولید بهاهای آرام بخش کاملاً امکان پذیر خواهد بود .

نخستین تماس میان نوزاد و دیگران از طریق نینل گرفتن او بوجود می آید . از مدت هایش از آنکه

می تواند محل احساس را مشخص سازد ؛ در درون و یا اطراف دهان اوست او می کوشد تا هر شیء نازم ای را بدرون دهان خویش ببرد تا بدین ترتیب بتواند با زبان و لبهایش آن را مورد امتحان قرار داده و بازشناسد با این کار او بتدریج نسبت به انواع مزه ها و ساختمان اشیاء حساس می گردد .

نوزاد معمولاً در خلال نخستین دو هفته عمر خود برای هیچ کاری بجز خوردن و خوابیدن انرژی ندارد . او که به حالت بیوزنی نسبی در درون رحم مادر ، خو گرفته است ، درمی یابد که برای رقابت با نیروی جاذبه ؛ تلاش قابل ملاحظه ای باید بعمل آورده . استحمام برای او خوشایند است زیرا که حالت شنواری و کمتر شدن وزن در آب به او فرصت کوتاهی میدهد تا از کشش پیوسته جاذبه خلاص گردد .

از سن دو هفتهگی ببعد بچه مدت زمان بیشتری را بیدار می ماند و مشتاق می شود تا با چیزی بازی کند . از آنجا که روش طبیعی او برای بازی کردن همانا مکیدن چیزی است ، نباید این دلخوشی بزرگ را از او دریغ نمود . عادت کردن بچه به مکیدن اشیاء موضوع نگران کننده ای نیست مگر آنکه این عادت مدت زمانی طولانی بعد از اولین ماههای زندگی همچنان ادامه یابد .

هنگامیکه بچه به مرحله ای می رسد که میتواند خودش بنشیند ، باید اسباب بازیهای مخصوص مکیدن را با ملائمت از دسترس او دور نمود . این کار نباید بطور ناگهانی صورت گیرد ، بلکه باید مانند از شیر گرفتن او بتدریج و در طول مدت زمانی

آرام و بکنواخت تپش قلب ، و به احساس گرمای دستهای او احتیاج دارد نوزاد همچنان نسبت به تکان های ملایم و آرام و نیز زمزمه لالائی از خود واکنش نشان می دهد .

از يك كودك كوچك نبايد انتظار واكنشی «هوشمندانه» داشت پاره ای از بزرگسالان به غلط گمان می کنند که با تکان دادن و یا قفلک کردن بچه می توانند او را به لبخند زدن و یا خندیدن ترغیب نمایند ، در حالیکه این کار بچه را معذب می کند و به ستوه می آورد بچه ها غالباً پیش از رسیدن به سن چهار یا پنج هفتهگی خود لبخند می زنند اما این عمل بندرت بعنوان واکنشی در برابر قفلک است ؛ بچه ها نخستین لبخندهای خود را بعنوان يك نوع تجربه آغاز می کنند ؛ اما رفته رفته با بهتر شدن قدرت دید ممکن است لبخندی را که بر روی چهره بزرگسالان می بیند تقلید نماید .

نوزاد می تواند درد ، لذت ، گرمای در تمام بدن خویش احساس کند ، اما مغز او هنوز قادر نیست که این احساسها را طبقه بندی نماید .

نوزاد معمولاً در نخستین معاینه کلینیکی نسبت به فرورفتن نیش سوزن بدرون شست پایش از طریق تکان دادن دستها و یا بدن و شاید گریه کردن از خود واکنش نشان میدهد او می داند که مورد آزار قرار گرفته است ، اما دقیقاً نمی داند که این آزار به کجای بدنش وارد آمده است احتمال حرکت کردن نوزاد به سوی منبع درد ؛ و یادورشدن او از آن ، کاملاً بیک نسبت وجود دارد تنها جایی که يك نوزاد

مکتب اسلام

مناسب انجام شود .

آشکاراست که نخستین صدای بچه همان صدای گریه اوست اولین گریه‌ها در حقیقت واکنشی انعکاسی در برابر ناراحتی است و نه نوعی ارتباط . اما بهر حال او بزودی یاد می‌گیرد که گریه تنها وسیله او برای نشان دادن گرسنگی ؛ درد ورنجش است گریه ناشی از گرسنگی معمولاً از همه کثیر-الوقوع تر ، طلب‌کننده تر ، و مداوم تر می‌باشد . گریه ناشی از بیماری غالباً چیزی بیشتر از یک زاری یا ناله آهسته بوده و گریه ناشی از درد تند و بلند است . از آنجا که بچه‌ها از نظر احتیاجات غذایی بسیار متفاوتند ، بنابراین خود بچه تنها کسی است که می‌تواند بطور معقول تعیین کند که چقدر غذا می‌خواهد و چه موقع به آن نیازمند است . برای یک بچه کم خوراك غیر عادی نیست که پس از دو یا سه-ساعت از آخرین تغذیه ، دوباره گرسنه گردد. زمان تغذیه و یا مقدار غذایی که او تعیین می‌کند هیچگونه ارتباطی با ساعات روز ندارد بلکه این موضوع فقط به آهنگ متابولیسم بدن او مرتبط است .

هنگامیکه برای خوردن غذا گریه می‌کند گرسنه است و زمانی که دست از خوردن بر می‌دارد سیراست مقدار خواب مورد نیاز بچه‌ها نیز با یکدیگر فرق دارد . بسیاری از بچه‌ها از شب تا صبح چندین بار از خواب بیدار شده و به گریه می‌پردازند . در اینگونه موارد می‌توان با تغییر وضعیت خوابیدن بچه‌ها و یاد دادن چیزی بدستش ، او را دوباره به خوابیدن ترغیب نمود . اگر بچه در این موارد بحال خود درها شود تا بعداً فرط گریه کند برنامه خوابش منظم نخواهد شد . بهیچوجه ضرورتی

ندارد که وقتی بچه خواب است در اطرافش سکوت حفظ شود آنچه که بچه را از خواب می‌پراند سرو-صداها می‌یکنواخت معمولی نیست بلکه تغییرات ناگهانی در سطح صداست .

یک بچه در سن شش ماهگی معمولاً چاق و چله است آنگاه در حدود سن یکسالگی بچه وارد یک دوره قد کشیدن می‌شود که خود نزدیک به یکسال طول می‌کشد در این سن و سال است که مادران می‌پندارند بچه آنها لاغر شده اما این فقط یک اتفاق است که رشد بچه همزمان با سینه‌خیز کردن و راه افتادن او شده است .

هر بچه‌ای خودش تصمیم می‌گیرد که چه موقع آماده است خود را از جا بلند نماید ، سینه‌خیز کند و راه برود. این عقیده که اگر بگذارند بچه زودتر از معمول راه بیفتد پاهایش کم‌انی خواهد شد ، هیچگونه پایه صحیحی ندارد . کم‌انی شدن پاها در حقیقت بعلت آن است که به بچه فرصت مناسبی نداده‌اند که پیش از آغاز به راه رفتن ، وزن بدن خویش را بروی پاها تحمل کند همانگونه که دیده می‌شود بچه‌های سالم همه می‌کوشند که بر روی دامان شما برپای بایستند .

آنان احتیاج دارند پاهای خود را ورزش داده و توانائی لازم را برای راه رفتن بدست آورند اگر بچه بکوشد تا تمام وزن خود را بر روی پاهای ضعیف و غیرورزیده خویش قرار دهد ، پاهایش کم‌انی شکل خواهد شد تا تدریجاً پاهای او ورزیده شود .

مدتها طول می‌کشد تا بچه یاد می‌گیرد چگونه حرف ، بزند بچه‌های کوچک غالباً میل دارند حرکات و اشاراتی را که همراه با سخن گفتن وجود دارد تقلید نمایند نخستین صداها می‌که آنها

بمنظور سخن گفتن تولید میکنند بصورت جیغ و فریاد و صداهائی شبیه به غرغر کردن است که در انتهای حلق بوجود می آید ، اندک اندک محل تولید صدا از انتهای حلق بطرف جلو می آید و بچه میتواند در وسط دهان خود با کمک زبانش صدای «دا - دا - دا» از خود بسازد و بالاخره می آموزد که برای تولید صدا از لبهای استفاده کند و صدای « م م م م » از خود در آورد بهمین علت است که بسیاری از بچه ها ابتدا می گویند «دادا» و سپس «ماما»

بچه ای که دارای برادران و خواهرانی بزرگتر از خویش است خیلی راحت تر از یک بچه تنها میتواند کلمات را در ذهن خود طبقه بندی کند زیرا که حرف زدن بچه ها از کلماتی تکراری تشکیل شده و بعضی از این کلمات بزودی برای او آشنا میشوند .
بالعکس بچه ای که منحصراً با بزرگسالان سروکار دارد با دشواری بیشتری میتواند کلمات را یاد بگیرد زیرا که صحبت های بزرگسالان بسیار متنوع است . البته بیک بچه تنها نیز میتوان کمک کرده حرف زدن را زودتر یاد بگیرد و این در صورتی است که مادرش کلمات خاصی را مرتباً برایش تکرار کند و بهرآه آن اشیائی را که میتواند ببیند (مانند اسباب بازیها و غذاها) به او نشان دهد گاهی اوقات پدر و مادرها با بچه خود با لحن و تلفظی کودکانه به گفتگویی پردازنده انجام این کار نه تنها مسئله ای را حل نمیکند بلکه ممکن است که حتی بچه را سردرگم نماید .

یک بچه ، بطور طبیعی در برخورد با اشیاء تازه حالتی مشتاقانه و درعین حال متهورانه دارد . تنها هنگامی که او در می یابد ارتکاب اشیاء تنبیه

بدنبال دارد ، محتاط تر میگردد .
این کاملاً طبیعی است که در دوران کودکی نیز همانند دوره های بعدی زندگی پاره ای نا امیدیه ها و دلسردی ها پیش می آید یک آشفتگی و پریشانی کوچک دارای هیچگونه تأثیر زیان آوری بر روی رشد تکامل بچه نیست یک برخورد معمولی میان فعالیتها و شخصیت های مختلف موجود در یک خانه شلوغ ، برای او اتمسفری بمراتب جالب تر از یک محیط مصنوعاً آرام است که چه بسا برای زندگی دردنیای خارج نیز تدارکی ناکافی باشد .

بچه تشنه یادگیری و بدست آوردن معلومات تازه بوده و درعین حال به زودی از یک چیز خسته میشود هنگامیکه او اسباب بازی تقریباً تازه خود را بدور می اندازد در حقیقت بما می گوید که تمام نکات جالب مربوط به آنرا دریافته است و اکنون آماده برای یک چیز دیگر می باشد ، مطالعات انجام شده دیگر نشان میدهد که یک بچه یکساله در عرض ۹ ماهه میتواند هر چیزی را که میل دارد در باره یک اسباب بازی معمولی بداند ؛ یاد می گیرد .
پدر و مادر میتوانند در امر آموزش بچه حداکثر کمکهای ممکن را از طریق فراهم ساختن فرصتهای لازم برای کشف مسائل و ارتباط با دیگران در اختیار او قرار دهند . هر چه که بچه از نظر جسمی و ذهنی کمتر محدودیت داشته باشد سریعتر میتواند اکتشافات خود را در مورد جهانی که در آن زندگی میکند به انجام رساند آموزشی که پدر و مادر به بچه خود میدهند و نیز خود آموزی که در او ترغیب میکنند در حقیقت حکم ابزاری را دارد که برای گذراندن دیگر سالهای زندگی در اختیار بچه گذارده میشود . (نقل از مجله فضا)